





دانشگاه امام صادق علیه السلام

**دانشکده الهیات، معارف اسلامی و ارشاد**

**پایان نامه کارشناسی ارشد رشته الهیات، معارف اسلامی و ارشاد**

**گرایش فقه و مبانی حقوق اسلامی**

**عنوان:**

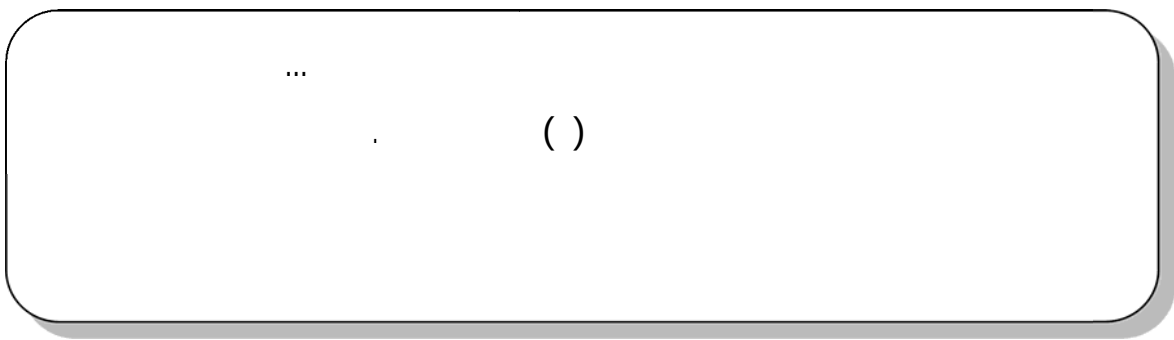
**بررسی فقهی عیوب موجب فسخ نکاح با نگاه به مسائل مستحدثه آن**

**استاد راهنما: حجت الاسلام دکتر حسینعلی سعدی**

**استاد مشاور: حجت الاسلام محمود زنجانی**

**دانشجو: محمدعلی شیخ الاسلامی**

**شهریور ۱۳۹۱**

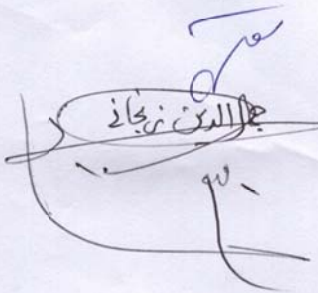
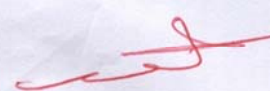




## دانشگاه امام صادق علیه السلام

تاییدیه اعضای هیات داوران حاضر در جلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

اعضای هیات داوران نسخه نهایی پایان نامه: آقای محمدعلی شیخ الاسلامی کد دانشجوی: ۸۵۳۱۲۵۵۱۴  
تحت عنوان: بررسی فقهی عیوب موجب فسخ نکاح با نگاه به مسائل مستحدثه آن  
را از نظر شکل و محتوی بررسی نموده و پذیرش آنرا برای تکمیل درجه کارشناسی ارشد پیوسته پیشنهاد  
می‌کنند

| اعضای هیات داوران نام و نام خانوادگی                       | رتبه علمی | محل امضاء                                                                           |
|------------------------------------------------------------|-----------|-------------------------------------------------------------------------------------|
| (۱) استاد راهنما: حجت الاسلام دکتر حسینعلی سعدی            | استادیار  |  |
| (۲) استاد مشاور: حجت الاسلام محمود زنجانی                  | استادیار  |                                                                                     |
| (۳) نماینده شورای تحصیلات تکمیلی دانشکده: دکتر حسین هوشنگی | دانشیار   |                                                                                     |
| (۴) استاد ناظر:                                            |           |                                                                                     |
| (۱) حجت الاسلام دکتر سیدعلی حسینی                          | استادیار  |  |

با تقدیر و تشکر فراوان از:

تمام اساتیدی که طی این سال ها افتخار شاگردی شان را داشته ام.

پدر و مادر عزیزم که این مسیر را برای من روشن نمودند.

و همسر مهربانم که با صبر و بردباری خویش همیشه حامی من بوده است.

تقديم به :

به پیشگاه با عظمت حضرت ولی عصر (عج)

رهبر معظم انقلاب حضرت امام خامنه ای (مدّ ظلّه العالی)

اساتید بزرگوارم حجت الاسلام دکتر سعدی و حجت الاسلام زنجانی

## چکیده:

فقه‌اء امامیه از دیرباز در تدوین کتب فقهی، در باب النکاح، بحثی را تحت عنوان «فی العیوب و التدلیس»، به نگارش در آورده اند. در این بخش، عیوبی که در شرایط خاص، به زوجین، اجازه فسخ می دهد بررسی می شود. در رابطه با تعداد عیوب بین فقه‌اء اختلاف نظر است، اما همه اختلافات آنان به عیوب منصوص در روایات خلاصه می شود و عیوب دیگر را مجوز برای فسخ نکاح، نمی دانند. با گذشت زمان شاهد امراض صعب العلاج، مسری و البته عیوبی هستیم که مانع از استمتاع جنسی کامل می باشند. با توجه به اینکه مناط امراضی که موجب فسخ نکاح می باشند برای ما واضح و مبرهن نمی باشد، نمی توان از ادله ای چون تنقیح مناط و یا قیاس اولویت، برای اثبات نظریه تعمیم استفاده نمود. اما با نگاه به لسان روایات، روشن می شود که انحصار موجود در روایات باب، اضافی بوده و از طرفی با استناد به قاعده لا ضرر و لا حرج، می توان جواز فسخ نکاح را ثابت نمود اما با توجه به اینکه احدی از فقه‌اء، عیوب نوظهور را مجوز فسخ نمی داند؛ قائل شدن به چنین رایی سخت و دشوار می باشد؛ بنابراین طریق احتیاط، آن است که زوج با طلاق و زوجه با رجوع به حاکم شرع و درخواست طلاق، از ضرر و حرج پیش آمده جلوگیری نمایند. هم چنین با بهبود امراض منصوصه، دیگر حقّ خیار فسخ، باقی نمانده و با درمان بیماری، این حقّ، زوال می یابد.

**واژگان کلیدی:** عیب، مرض، فسخ، نکاح، فقه

## فهرست

|                                  |    |
|----------------------------------|----|
| فصل اول:                         | ۱  |
| کلیات                            | ۱  |
| مقدمه:                           | ۲  |
| ۱.۱. بیان مسأله:                 | ۲  |
| ۲.۱. مسأله، اهمیت و هدف پژوهش:   | ۳  |
| ۳.۱. سوال اصلی:                  | ۴  |
| ۴.۱. فرضیه:                      | ۴  |
| ۵.۱. روش تحقیق:                  | ۴  |
| ۶.۱. فصول تحقیق:                 | ۵  |
| ۷.۱. ادبیات نظری:                | ۵  |
| ۱.۷.۱. عقد:                      | ۵  |
| ۲.۷.۱. نکاح (زواج):              | ۶  |
| ۱.۲.۷.۱. اهمیت ازدواج در روایات: | ۷  |
| ۲.۲.۷.۱. اقسام نکاح:             | ۸  |
| ۳.۲.۷.۱. تفاوت اقسام نکاح:       | ۹  |
| ۴.۲.۷.۱. شرایط نکاح:             | ۹  |
| ۵.۲.۷.۱. موانع نکاح:             | ۱۰ |
| ۳.۷.۱. لزوم عقد:                 | ۱۱ |
| ۱.۳.۷.۱. اقسام لزوم و جواز:      | ۱۳ |
| ۲.۳.۷.۱. ادله حجّیت قاعده لزوم:  | ۱۴ |
| ۱.۲.۳.۷.۱. بنای عقلاء:           | ۱۴ |
| ۲.۲.۳.۷.۱. آیات قرآنی:           | ۱۴ |
| ۳.۲.۳.۷.۱. روایات:               | ۱۶ |



|    |                                                |
|----|------------------------------------------------|
| ۱۷ | ..... ۴.۲.۳.۷.۱ استصحاب:                       |
| ۱۷ | ..... ۴.۷.۱ فسخ:                               |
| ۱۸ | ..... ۱.۴.۷.۱ تفاوت فسخ و انفساخ:              |
| ۱۸ | ..... ۱.۱.۴.۷.۱ موارد انفساخ عقد نکاح در فقه:  |
| ۱۹ | ..... ۲.۴.۷.۱ تفاوت فسخ و ابطال:               |
| ۲۰ | ..... ۵.۷.۱ طلاق:                              |
| ۲۱ | ..... ۱.۵.۷.۱ ارکان طلاق:                      |
| ۲۱ | ..... ۲.۵.۷.۱ اقسام طلاق:                      |
| ۲۲ | ..... ۱.۲.۵.۷.۱ اقسام طلاق به لحاظ حکم تکلیفی: |
| ۲۲ | ..... ۲.۲.۵.۷.۱ اقسام طلاق به لحاظ حکم وضعی:   |
| ۲۴ | ..... ۳.۵.۷.۱ تفاوت فسخ و طلاق:                |
| ۲۴ | ..... ۴.۵.۷.۱ شباهت فسخ و طلاق:                |
| ۲۵ | ..... ۶.۷.۱ موجبات فسخ نکاح:                   |
| ۲۵ | ..... ۱.۶.۷.۱ خیار:                            |
| ۲۵ | ..... ۱.۱.۶.۷.۱ موضوع خیار:                    |
| ۲۶ | ..... ۲.۱.۶.۷.۱ شرط خیار در عقد نکاح:          |
| ۲۷ | ..... ۳.۱.۶.۷.۱ شرط خیار، باطل یا مبطل:        |
| ۲۸ | ..... ۴.۱.۶.۷.۱ شرط خیار در مهر:               |
| ۲۸ | ..... ۵.۱.۶.۷.۱ عیب:                           |
| ۳۰ | ..... ۶.۱.۶.۷.۱ خیار فسخ در نکاح به موجب عیب:  |
| ۳۱ | ..... ۷.۱.۶.۷.۱ خیار تالیس:                    |
| ۳۲ | ..... فصل دوم:                                 |
| ۳۲ | ..... عیوب منصوص در روایات                     |
| ۳۳ | ..... مقدمه:                                   |
| ۳۴ | ..... ۱.۲ عیوب مجوز فسخ نکاح:                  |
| ۳۴ | ..... ۱.۱.۲ عیوب مشترک:                        |

|    |                                                |
|----|------------------------------------------------|
| ۳۴ | ..... ۱.۱.۱.۱.۲ جنون:                          |
| ۳۴ | ..... ۱.۱.۱.۱.۱.۲ روایات مربوط به جنون:        |
| ۳۵ | ..... ۲.۱.۱.۱.۲ آراء فقهاء:                    |
| ۳۸ | ..... ۲.۱.۲ عیوب اختصاصی مرد:                  |
| ۳۸ | ..... ۱.۲.۱.۲ خصاء:                            |
| ۳۸ | ..... ۱.۱.۲.۱.۲ روایات مربوط به خصاء:          |
| ۴۰ | ..... ۲.۱.۲.۱.۲ اشکال دلالی روایات:            |
| ۴۱ | ..... ۳.۱.۲.۱.۲ آراء فقهاء:                    |
| ۴۵ | ..... ۲.۲.۱.۲ عنن:                             |
| ۴۶ | ..... ۱.۲.۲.۱.۲ روایات مربوط به عنن:           |
| ۴۸ | ..... ۲.۲.۲.۱.۲ آراء فقهاء:                    |
| ۴۹ | ..... ۳.۲.۲.۱.۲ مهلت یک ساله در مورد عنن:      |
| ۵۰ | ..... ۴.۲.۲.۱.۲ راه اثبات عنن:                 |
| ۵۱ | ..... ۳.۲.۱.۲ جب:                              |
| ۵۲ | ..... ۱.۳.۲.۱.۲ ادله اثبات جب:                 |
| ۵۴ | ..... ۳.۱.۲ عیوب اختصاصی زن:                   |
| ۵۴ | ..... ۱.۳.۱.۲ قرن:                             |
| ۵۷ | ..... ۲.۳.۱.۲ عقل:                             |
| ۵۸ | ..... ۳.۳.۱.۲ رتق:                             |
| ۵۹ | ..... ۱.۳.۳.۱.۲ ادله مثبت خیار فسخ در رتق:     |
| ۶۲ | ..... ۲.۳.۳.۱.۲ نوعی یا شخصی بودن مشکل مباشرت: |
| ۶۲ | ..... ۴.۳.۱.۲ جذام و برص:                      |
| ۶۲ | ..... ۱.۴.۳.۱.۲ روایات مربوط به برص و جذام:    |
| ۶۴ | ..... ۲.۴.۳.۱.۲ آراء فقهاء:                    |
| ۶۶ | ..... ۳.۴.۳.۱.۲ بررسی ادله طرفین:              |
| ۶۷ | ..... ۴.۴.۳.۱.۲ نقل قول مشهور:                 |

|     |                                          |
|-----|------------------------------------------|
| ۶۸  | ۵.۳.۱.۲. افضاء:                          |
| ۶۹  | ۶.۳.۱.۲. ابعاد:                          |
| ۷۰  | ۷.۳.۱.۲. العمی:                          |
| ۷۱  | ۸.۳.۱.۲. تفاوت «ترد» و «یفرق بینهما»:    |
| ۷۲  | ۹.۳.۱.۲. خشی و حق فسخ:                   |
| ۷۴  | ۱۰.۳.۱.۲. زنا و حق فسخ:                  |
| ۷۶  | ۲.۲. زمان حدوث عیب:                      |
| ۷۷  | ۱.۲.۲. آراء فقهاء در عیوب حادث:          |
| ۷۹  | ۲.۲.۲. بررسی ادله مسأله:                 |
| ۸۰  | ۳.۲.۲. بررسی روایات مسأله:               |
| ۸۵  | ۳.۲. دامنه و شمول عیوب در عقد نکاح:      |
| ۸۵  | ۴.۲. تدلیس:                              |
| ۸۷  | ۱.۴.۲. حکم تدلیس:                        |
| ۸۷  | ۲.۴.۲. تدلیس در نکاح:                    |
| ۸۸  | ۳.۴.۲. تفاوت تدلیس و عیوب موجب فسخ نکاح: |
| ۸۹  | ۵.۲. اعمال خیار فسخ:                     |
| ۹۰  | ۶.۲. زمان خیار فسخ:                      |
| ۹۰  | ۱.۶.۲. روایات خاصه:                      |
| ۹۳  | ۷.۲. وضع مهریه در فسخ نکاح:              |
| ۹۵  | فصل سوّم:                                |
| ۹۵  | مسائل مستحلّه عیوب مجوز فسخ نکاح:        |
| ۹۶  | مقدمه:                                   |
| ۹۶  | ۱.۳. عیوب و امراض نو ظهور:               |
| ۹۶  | ۱.۱.۳. انحرافات جنسی:                    |
| ۱۰۰ | ۲.۱.۳. امراض مسری:                       |
| ۱۰۲ | ۳.۱.۳. بیماری های صعب العلاج:            |

|                                                      |     |
|------------------------------------------------------|-----|
| ۲.۳. بررسی ادله تعمیم عیوب: .....                    | ۱۰۶ |
| ۱.۲.۳. نقش تعبد در نکاح: .....                       | ۱۰۶ |
| ۱.۱.۲.۳. قیاس مستنبط العله: .....                    | ۱۰۶ |
| ۲.۱.۲.۳. تنقیح مناط: .....                           | ۱۰۷ |
| ۳.۱.۲.۳. مقاصد شریعت: .....                          | ۱۰۸ |
| ۴.۱.۲.۳. نتیجه بحث: .....                            | ۱۰۹ |
| ۲.۲.۳. قیاس اولویت: .....                            | ۱۱۰ |
| ۱.۲.۲.۳. بررسی دلیل: .....                           | ۱۱۱ |
| ۳.۲.۳. بررسی روایات بیانگر عیوب مجوز فسخ نکاح: ..... | ۱۱۲ |
| ۱.۳.۲.۳. روایت حلبی: .....                           | ۱۱۲ |
| ۱.۱.۳.۲.۳. بررسی سندی: .....                         | ۱۱۳ |
| ۲.۱.۳.۲.۳. بررسی دلالتی: .....                       | ۱۱۴ |
| ۳.۱.۳.۲.۳. اشکال دلالتی در استدلال به روایت: .....   | ۱۱۶ |
| ۲.۳.۲.۳. روایت رفاعه: .....                          | ۱۱۷ |
| ۱.۲.۳.۲.۳. بررسی سندی: .....                         | ۱۱۷ |
| ۲.۲.۳.۲.۳. بررسی دلالتی: .....                       | ۱۱۸ |
| ۳.۳.۲.۳. روایت زید الشحام: .....                     | ۱۱۸ |
| ۱.۳.۳.۲.۳. بررسی سندی: .....                         | ۱۱۹ |
| ۲.۳.۳.۲.۳. بررسی دلالتی: .....                       | ۱۱۹ |
| ۴.۳.۲.۳. روایت عبدالرحمن: .....                      | ۱۱۹ |
| ۱.۴.۳.۲.۳. بررسی سندی: .....                         | ۱۱۹ |
| ۲.۴.۳.۲.۳. بررسی دلالتی: .....                       | ۱۲۰ |
| ۳.۴.۳.۲.۳. مفهوم عدد: .....                          | ۱۲۱ |
| ۵.۳.۲.۳. روایت حماد از حلبی: .....                   | ۱۲۲ |
| ۱.۵.۳.۲.۳. بررسی سندی: .....                         | ۱۲۳ |
| ۲.۵.۳.۲.۳. بررسی دلالتی: .....                       | ۱۲۳ |

|     |                                                              |
|-----|--------------------------------------------------------------|
| ۱۲۴ | ۶.۳.۲.۳. بررسی تعارض موجود در روایات:.....                   |
| ۱۲۴ | ۱.۶.۳.۲.۳. تعارض موجود در روایات منحصره با سایر روایات:..... |
| ۱۲۶ | ۲.۶.۳.۲.۳. تعارض موجود در روایات مربوط به عیوب مرد:.....     |
| ۱۲۶ | ۱.۲.۶.۳.۲.۳. بررسی سندی:.....                                |
| ۱۲۸ | ۲.۲.۶.۳.۲.۳. بررسی دلالتی:.....                              |
| ۱۲۸ | ۳.۲.۶.۳.۲.۳. رفع تعارض:.....                                 |
| ۱۲۹ | ۷.۳.۲.۳. حصر حقیقی یا اضافی:.....                            |
| ۱۳۲ | ۱.۷.۳.۲.۳. نتیجه:.....                                       |
| ۱۳۳ | ۴.۲.۳. بررسی روایات تدلیس:.....                              |
| ۱۳۹ | ۱.۴.۲.۳. اشکال تمسک به روایات تدلیس:.....                    |
| ۱۴۱ | ۵.۲.۳. قاعده لا ضرر:.....                                    |
| ۱۴۸ | ۱.۵.۲.۳. نقد و بررسی:.....                                   |
| ۱۴۸ | ۶.۲.۳. قاعده لا حرج (نفی عسر و حرج):.....                    |
| ۱۵۱ | ۷.۲.۳. استفتاء مراجع:.....                                   |
| ۱۵۳ | ۸.۲.۳. اصل عملی در مساله:.....                               |
| ۱۵۴ | ۹.۲.۳. نتیجه نظریه تعمیم:.....                               |
| ۱۵۶ | ۳.۳. وکالت زوجه در طلاق:.....                                |
| ۱۵۷ | ۴.۳. قابلیت درمان بیماری ها:.....                            |
| ۱۵۸ | ۱.۴.۳. آراء فقهاء:.....                                      |
| ۱۶۵ | ۲.۴.۳. حکم الزام زن بر معالجه عیب:.....                      |
| ۱۶۷ | ۵.۳. نتیجه:.....                                             |
| ۱۶۹ | فهرست منابع:.....                                            |

# فصل اوّل:

## کلیّات

## ۱.۱. بیان مساله:

فقه‌ها از همان ابتدا با تدوین کتب اولیه فقهی در کتاب النکاح بابی تحت عنوان "فی العیوب و التدلیس" را به نگارش درآورده‌اند. آنچه در این بخش به آن پرداخته می‌شود عیوب مشترک و اختصاصی زوجین است که مجوز برای فسخ نکاح آنان قرار می‌گیرد. با نگاه به آراء فقهاء در مساله مذکور، به وضوح شاهد اختلاف نظرات و دیدگاه‌های آن‌ها هستیم. این اختلافات در شمارش عیوب است به طوری که چه در مورد تعداد عیوب مشترک و چه در مورد شمار عیوب اختصاصی هر یک از زن و مرد نظرات مختلفی بیان شده است؛ منشا این تفاوت آراء دو چیز است:

۱- تشکیک در مورد مجوز فسخ دانستن برخی عیوب در زوجین: برخی از عیوب است که از نظر تعدادی از فقهاء می‌تواند مجوز برای فسخ نکاح باشد؛ در حالی که گروه دیگری از فقهاء، خیار فسخ را در مورد این عیوب ثابت ندانسته و شمار محدودتری را در زمره عیوب موجب فسخ نکاح آورده‌اند. این مساله بیش‌تر در مورد عیوب زنان، مورد اختلاف نظر فقهاء بوده است

۲- تشکیک در مشترک یا اختصاصی دانستن برخی عیوب: دومین مساله‌ای که باعث شده نا فقهاء، در شمارش تعداد عیوب با یکدیگر اختلاف نظر داشته باشند؛ این است که در مورد برخی عیوب، بین فقهاء اختلاف نظر است که آیا در زمره عیوب مشترک جای دارند یا این که از جمله عیوب اختصاصی زوجین می‌باشند. این مساله نمود خودش را در مورد دو عیب جذام و برص نشان می‌دهد که طبق نظر مشهور فقهاء، از جمله عیوب اختصاصی زوجه می‌باشد. برخی از فقهاء، در این مساله تشکیک نموده‌اند و با تمسک به روایات و برخی ادله عقلی دیگر، برص و جذام را از عیوب مشترک بین زن و مرد می‌دانند. اولین فقیهی که در این مساله، بر خلاف رای مشهور نظر داده است، ابن جنید می‌باشد، که با رد دلایل قول مشهور، برص و جذام را از جمله عیوب اختصاصی زن دانسته است.<sup>۱</sup> (اسکافی، ۱۴۱۶ق، ج ۲: ۲۵۸)

در این رساله، سعی شده است حتی الامکان به هر دو مساله فوق‌الذکر بپردازیم و اختلاف آراء فقهاء را بررسی نموده، ادله طرفین را ارزیابی نماییم.

۱. المشهور اختصاص البرص و الجذام بالمرأة فلا یرد الزوج بهما و به قال ابن البراج فی الکامل (الی أن قال): و ابن الجنید یوهم کلامه ذلک فإنه قال: الذی یرد به النکاح من العیوب، الجنون، و البرص، و الجذام، و الداء یمنع من الوطء، و سواء کان ذلک بالرجل أو المرأة ما لم یعلم البرء منهما

## ۲.۱. مسأله، اهمیت و هدف پژوهش:

استحکام نظام خانواده از عوامل رشد و تعالی یک نظام اجتماعی محسوب می شود. در صورت آسیب بنیان خانواده پایه های نظام به مرور زمان در معرض آسیب جدی قرار می گیرد. یکی از مواردی که می تواند کانون گرم خانواده را به سردی بگرداند، وجود و بروز برخی بیماری های صعب العلاج است. فقهای امامیه بطور مستقل در بابی تحت عنوان "عیوب مجوز فسخ نکاح" به بررسی امراض منصوص در روایات پرداخته اند و آنها را مجوز برای فسخ نکاح می دانند. در عصر کنونی شامل حدوث برخی امراض نوظهور هستیم که درمان قطعی برای آنان پیدا نشده است. از آنجا که معتقدیم فقه امامیه قادر به ارائه پاسخ به مشکلات بشری در تمامی ابعاد زندگی فردی و اجتماعی در هر عصر و زمانی می باشد در این تحقیق برآنیم تا تاثیر این امراض نوظهور را در فسخ نکاح با نگاهی فقهی مورد بررسی قرار دهیم. بنابراین غرض از این تحقیق آن است که مسائل مستحدثه عیوب مجوز فسخ نکاح از جمله امکان تسری و تعمیم این عیوب منصوصه به امراض صعب العلاج نوظهور و امکان زوال حق فسخ نکاح در صورت درمان بیماری های مذکور در روایات و کلام فقهاء را مورد بررسی قرار دهیم و پاسخی برای آن بیابیم. ضمن اینکه در قانون مدنی ما عیوب مجوز فسخ نکاح منحصر در همان امراضی است که در روایات به آن اشاره شده است.، بنابراین نتیجه این تحقیق می تواند مبنای فقهی قرار گیرد در بازبینی و بررسی مجدد این مواد قانونی. همچنین این اثر در پی آن است تا به بسیاری از مشکلات مسائل حقوق خانواده در حوزه مورد بحث پاسخی ارائه دهد.

با گذر زمان در دنیای معاصر شاهد بروز برخی بیماری های صعب العلاج و خطرناکی هستیم که درمانی قطعی برای آنان وجود ندارد و می تواند مانع استمتاع جنسی زوجین شود. آنچه در این تحقیق خواهان پرداختن به آن می باشیم این است که آیا امراض و بیماری های جدیدی که در عصر کنونی شاهد آن هستیم و صعب العلاج می باشند در زمره عیوب مجوز فسخ نکاح قرار می گیرند یا خیر. به عبارتی در این تحقیق میخواهیم ثابت کنیم که آیا بیماریهای مجوز فسخ نکاح بیماری هایی است که صعب العلاج بوده اند یا بیماری هایی است که مانع از استمتاع جنسی تام باشند؟

علاوه بر این با رشد علوم و تکنولوژی بسیاری از بیماری های منصوص در روایات قابل درمان می باشد، آیا در صورت درمان قطعی، این عیوب از تحت شمول احادیث مجوز فسخ نکاح خارج می شوند یا خیر؟ در این مسأله نیز سعی بر آن شده است تا با بررسی و ارزیابی ادله طرفین، نظر مرجح را بیان نمائیم.



این مساله از مسائل جدیدی است که متأسفانه کمتر به آن پرداخته شده است و صرفاً در چند اثر مختصر به بررسی عیوبی پرداخته شده است که در روایات ذکر شده اند و در مورد آن هم به ذکر کلیات مساله بسنده شده و کمتر به اختلاف آراء و نقد ادله پرداخته شده است. در رابطه با مسائل مستحدثه این موضوع نیز که هدف از نگارش این تحقیق می باشد، کار در خور توجه و مستقلی صورت نگرفته است. از این روی بررسی این موضوع در یک اثر مستقل، کاری جدید و نو محسوب می شود.

### ۳.۱. سوال اصلی:

۱. آیا عیوب مجوز فسخ نکاح منحصر در موارد منصوصه است یا قابل تعمیم به امراض نوظهور و صعب العلاج می باشد؟
۲. در صورت امکان درمان عیوب مجوز فسخ نکاح آیا حق فسخ نکاح زوال می یابد؟

### ۴.۱. فرضیه:

۱. عیوب مجوز فسخ نکاح منحصر در موارد منصوصه است و قابل تعمیم به امراض نوظهور و صعب العلاج نمی باشد.
۲. در صورت امکان درمان عیوب مجوز فسخ نکاح، حق فسخ نکاح زوال نمی یابد.

### ۵.۱. روش تحقیق:

روش تحقیق به دو مرحله گردآوری و تحلیل داده ها تقسیم می شود. در این رساله با گردآوری اطلاعات کتابخانه ای از طریق فیش برداری از کتب فقهاء امامیه به جمع آوری و با بهره از روش تحقیق تحلیلی-توصیفی به ارزیابی داده ها می پردازیم.

## ۶.۱. فصول تحقیق:

این رساله در سه بخش نگارش یافته است. در بخش اول، کلیاتی از مباحثی که در رساله به آن خواهیم پرداخت را به نگارش در آورده و به تعاریف لغوی، اصطلاحی، واژگان و اصطلاحات مترادف، بیان تفاوت ها و توضیح اجمالی راجع به مباحث رساله اشاره می کنیم.

فصل دوم رساله در مورد عیوب منصوص در روایات است. در این فصل که توصیفی می باشد، به کلام فقهاء متقدم، متاخر و معاصر در زمینه عیوبی که می تواند مجوز برای فسخ نکاح باشد، اشاره شده و اختلاف آراء، ادله و عبارات فقهاء به طور مفصل تشریح شده است.

در فصل سوم که فصل اصلی، می باشد، سعی شده است تا به طور مفصل و مستدل، نظریه تعمیم عیوب از موارد منصوصه به غیر منصوصه بررسی شود. در این فصل ادله مثبت این نظریه مفصلاً بحث و تحلیل شده و از آن، نتیجه گیری شده است. در پایان این فصل، مساله قابلیت درمان عیوب موجب فسخ نکاح و زوال حق فسخ و یا عدم آن، با تکیه بر کلمات فقهاء بحث و ارزیابی و در نهایت نتیجه گیری شده است

## ۷.۱. ادبیات نظری:

### ۱.۷.۱. عقد:

عقد در لغت به معنای بستن، محکم شدن، ضمانت و عهد می باشد. (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۱: ۱۴۱/ الموسوعه الفقهیه الكويتیه، ۱۴۱۵ق، ج ۳۰: ۱۹۸) ضدّ باز کردن می باشد. (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۳: ۹۶) عقد در لغت همچنین بر جمع بین اطراف شیء نیز اطلاق می شود. (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۳: ۲۹۶)

عقد اصطلاحاً در دو معنا به کار رفته است:

الف- معنای عامّ، که عبارت است از هر آن چه که شخص، قصد دارد آن را خودش انجام دهد یا آن چه قصد می کند دیگری بر وجه الزام، آن کار را انجام دهد. بر طبق این معنا، بیع و نکاح و سایر عقود معاوضی، عقد نامیده می شوند زیرا هر یک از دو طرف عقد، خودش را به وفای به عهد، الزام می کند. همچنین سوگند بر آینده نیز عقد نامیده می شود زیرا قسم خورنده خودش را ملزم به وفای آن چه سوگند خورده، کرده است. همچنین عهد و امان نیز عقد می باشند زیرا عاهد و امان دهنده خودش را ملزم به وفای عهد و امان کرده اند. بنابراین می توان گفت هر آن چه که انسان بر خودش شرط کرده آن را در آینده انجام دهد؛ عقد است. (الموسوعه الفقهیه الكويتیه، ۱۴۱۵ق، ج ۳۰: ۱۹۸)

ب- معنای خاصّ که بر طبق این معنا، عقد به خاطر ظهور اثر شرعی آن، بر آن چه که ناشی از اراده طرفین است؛ اطلاق می شود. در واقع طبق این بیان، عقد هر آن چیزی است که ایجاب و قبول داشته باشد. (الموسوعة الفقهية الكويتية، ۱۴۱۵ق، ج ۱۹۹: ۳۰)

ارکان عقد: عاقد، معقود علیه، صیغه (الموسوعة الفقهية الكويتية، ۱۴۱۵ق، ج ۳۰: ۲۰۰)

## ۲.۷.۱. نکاح (زواج):

نکاح در لغت به معنای انضمام و جمع شدن است (عبدالرحمن، بی تا، ج ۳: ۴۳). همچنین این واژه به معنای بضع و استمتاع جنسی نیز آمده است و تنها در مورد انسان است که استعمال می شود. (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۳: ۶۳ / ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۲: ۶۲۵ / طریحی، ۱۴۱۶ق، ج ۲: ۴۲۰) تعاریف مختلفی برای معنای اصطلاحی این واژه آمده است. جوهری در صحاح، اصل معنا را در آمیزش می داند که به صورت مجاز در عقد به کار رفته است و این را نظر مشهور می داند. (جوهری، ۱۴۱۰ق، ج ۱: ۴۱۳) آنچه از علمای لغت بیان شده این است که اصل این واژه هم بر عقد اطلاق می شود و هم بر آمیزش و در اینکه در کدام معنا حقیقت و در کدام یک مجاز است اختلاف نظر می باشد. (عبدالرحمن، بی تا، ج ۳: ۴۳ / ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۲: ۶۲۵) برخی از لغویین اصل در معنای نکاح را در ادبیات عرب، آمیزش و بهره جنسی می دانند. (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۲: ۶۲۵) در حالی که راغب قائل به این است که اصل نکاح برای عقد، وضع شده است اگرچه بعدها برای آمیزش نیز به کار رفته است. (راغب، ۱۴۱۲ق، ج ۱: ۸۲۳)

عَلَّامه حَلّی پس از بیان این که مراد از نکاح هم وطی است و هم عقد، می فرماید: «این واژه اجماعاً حقیقت در وطی است» (حَلّی، ۱۴۱۳اب، ج ۷: ۵۵-۵۶) سپس به آیه کریمه «فانکحوا ما طاب لکم»<sup>۱</sup> استناد نموده و می فرماید: «وقتی نکاح در این آیه حقیقت در وطی باشد، دیگر نمی تواند حقیقت در معنایی دیگر باشد و اَلّا لازمه اش اشتراک خواهد بود و اصل، عدم آن است.» (حَلّی، ۱۴۱۳اب، ج ۷: ۵۵-۵۶) صاحب جواهر به هر دو معنی در نکاح اشاره کرده و قائل به این است که نمی توان به یقین، معنای حقیقی نکاح را به یکی از این دو منتسب نمود بلکه محتاج قرینه است. (نجفی، بی تا، ج ۲۹: ۵-۶) شیخ انصاری نیز در کتاب النکاحش به این اختلاف آراء در مورد معنای نکاح اشاره نموده و فرموده: «اختلاف است که آیا معنای حقیقی نکاح، عقد است یا وطی و یا هردو.» سپس ادامه می دهد: «ظاهر این است که مراد از عقد - در

صورتی که معنای نکاح را حقیقت در عقد بگیریم- حاصل از عقد یعنی ایجاب و قبول است.» (انصاری، ۱۴۱۵ق الف: ۲۵) البته خود ایشان در این زمینه قولی را بر نمی گزیند. (انصاری، ۱۴۱۵ق الف: ۲۵)

در بین علمای علم حقوق نیز در تعریف نکاح، از این باب اختلاف نظر است که عدّه ای تمتّع جنسی را دخیل در معنای آن می دانند و عدّه ای خلاف این عقیده را دارند. یکی از این تعاریف این است که نکاح عقدی است که به موجب آن، زن و مرد به منظور تشکیل خانواده و شرکت در زندگی با هم متحد می شوند. (کاتوزیان، ۱۳۷۵: ۳۵) اشکالی که می توان از این تعریف گرفت این است که هدف از نکاح، تشکیل خانواده دانسته شده در حالی که این هدف در عقد نکاح موقت ممکن است دنبال نشود. بنابراین می توان گفت عقد نکاح، به زن و مرد حق تشکیل خانواده را می دهد هرچند به عنوان هدف از سوی آنها دنبال نشود. پس به نظر می رسد بهترین تعریف از نکاح این باشد که " رابطه ای است حقوقی عاطفی که بوسیله عقد بین زن و مرد حاصل می گردد و به آنها حق می دهد که با یکدیگر زندگی کنند. مظهر بارز این رابطه، حق تمتّع جنسی است." (محقق داماد، ۱۳۷۴: ۲۲).

#### ۱.۲.۷.۱. اهمّیت ازدواج در روایات:

۱. عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ ابْنِ الْقَدَّاحِ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع) : رَكْعَتَانِ يُصَلِّيهِمَا الْمُتَزَوِّجُ أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينَ رَكْعَةً يُصَلِّيْهَا غَزَبٌ. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵: ۳۲۸)

امام جعفر صادق (ع): دو رکعتی که شخص متاهل می خواند بهتر است از هفتاد رکعتی که شخص مجرد به جا می آورد.

۲. مُحَمَّدٌ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ع) تَزَوَّجُوا فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) قَالَ مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَتَّبِعَ سُنَّتِي فَإِنَّ مِنْ سُنَّتِي التَّزْوِيجَ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵: ۳۲۹)

امام صادق (ع) از امیرالمومنین (ع) نقل می کنند که: ازدواج کنید زیرا رسول خدا (ص) فرمودند: کسی که دوست دارد از سنت من پیروی کند ( آگاه باشد که) نکاح و تزویج از سنت من است.

۳. عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ وَكِيدٍ بْنِ صَبِيحٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: مَنْ تَرَكَ التَّزْوِيجَ مَخَافَةَ الْعَيْلَةِ فَقَدْ أَسَاءَ بِاللَّهِ الظَّنَّ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵: ۳۳۰)